

طرح وضعیت فوق‌العاده، شبه کودتای تمامیت‌خواهان

ارژنگ بامشاد

زمزمه‌های اعلام وضعیت فوق‌العاده، اکنون دیگر از بحث‌های محافل سیاسی حکومتی فراتر رفته و به طرح مصوب تبدیل شده است. روزنامه «بنیان» در شماره ۱۶ دوشنبه ۱۳ اسفند ۸۰ خود در مقاله‌ای با عنوان «اصرار» نوشت: «اصراری که برای برقراری وضعیت فوق‌العاده در کشور وجود داشت بالاخره نتیجه بخشید و یکی از مقامات مهم عضو شورای عالی امنیت ملی خبر آن را به طور مختصر در جایی گفت: "در شورای عالی امنیت ملی برنامه مناسبی تصویب شده است که به زودی ابلاغ می‌شود و جای هیچ‌گونه نگرانی وجود ندارد"». و حبیب‌الله عسکراولادی نیز در سخنانی در جمع دبیران جمعیت مؤتلفه اسلامی شهرستان که در روزنامه «رسالت» ۱۳ اسفند ۸۰ به چاپ رسیده گفت: «ما باید آماده باشیم اگر شورای عالی امنیت ملی وضعیت فوق‌العاده اعلام کرد از دولت و مسئولین تصمیم‌گیر در شرایط فوق‌العاده حمایت و پشتیبانی کنیم». با این شواهد، اعلام وضعیت فوق‌العاده علی‌رغم مخالفت اصلاح‌طلبان و حتی برخی از اعضای شورای عالی امنیت ملی، به نظر می‌رسد وارد مرحله اجرایی خود شده است.

اما سؤال کلیدی این است که هدف تمامیت‌خواهان از تأکید بر وضعیت فوق‌العاده چیست و به امید چه دست‌آوردی‌هایی به آن دست می‌زنند؟ برای پاسخ به این سؤال، باید بر این نکته تأکید کرد که از انتخابات ۴ خرداد ۷۶، که تمامیت‌خواهان سیلی محکمی از مردم خوردند و این سیلی‌ها در سال‌های گذشته چندین و چند بار تکرار شد، هم‌واره تلاش برای بازگشت به شرایط قبل از دوم خرداد و عقب‌نشاندن جنبش مردمی، یکی از هدف‌های تمامیت‌خواهان و دستگاه ولایت بوده است. آن‌ها که از بازگرداندن شرایط به نفع خود از طرق "قانونی" حتی در چهارچوب همین قانون اساسی ضددموکراتیک جمهوری اسلامی ناامید شده‌اند، در تمامی این مدت طرح‌های کودتایی برای برهم زدن بازی به جریان انداخته بودند. آن‌ها در شب پایان شمارش آرای انتخابات اولین دوره ریاست جمهوری خاتمی، قصد داشتند همه چیز را به هم بریزند؛ در جریان جنبش دانشجویی ۱۸ تیر ۷۸ نامه فرماندهان سپاه و ارتش به خاتمی، بیان همین طرح بود؛ در فاصله‌ی انجام انتخابات مجلس ششم و تشکیل این مجلس با بستن فلّه‌ای مطبوعات، و برجسته کردن درگیری‌های دیپلماتیک با افغانستان، در صدد اجرایی همین برنامه بودند. به دیگر سخن تمامیت‌خواهان برای بازگرداندن آب رفته به جوی، هم‌واره مشتاق اعلام وضعیت فوق‌العاده بوده‌اند و طرح‌های خود را نیز به دقت آماده کرده‌اند. و اکنون تهدیدات جنگ‌طلبان آمریکایی بهترین فرصت را برای‌شان فراهم آورده است تا آن طرح‌ها را به مورد اجراء بگذارند. و این بار سخنان جورج بوش، و گنجاندن نام ایران در محور سه‌گانه‌ی شرّ، توجیهات کافی برای جنگ افروزان تمامیت‌خواه فراهم آورده است.

تمامیت‌خواهان نیک می‌دانند که اعلام شرایط فوق‌العاده، گامی است که آمریکا را در پیش‌برد برنامه‌های خود مصمم‌تر می‌کند. از این‌رو آن‌ها در کنار تهدیدات آشکار فرماندهان نظامی و برخی شخصیت‌های صاحب‌نفوذشان، با ایجاد شرایط فوق‌العاده روی تهاجمات نظامی آمریکا حساب باز می‌کنند. و جنگ‌طلبان آمریکایی نیز می‌دانند که تندتر کردن لحن سخنان‌شان و یا عملی کردن پاره‌ای از تهدیدات‌شان در منطقه و در قبال ایران، وزن تمامیت‌خواهان در رژیم اسلامی را بالا برده و آن‌ها به اقدامات سرکوب‌گرانه‌ی بیشتری وامی‌دارد. و همین اقدامات سرکوب‌گرانه، خود بهانه‌های جدیدی در اختیار جنگ‌طلبان آمریکایی و نوکران‌شان قرار می‌دهد تا با اتکاء به فاکت‌های روشن، روی افکار عمومی مردم آمریکا و جهان تأثیر گذاشته و مقاومت هم‌پیمانان‌شان را در هم بشکنند. در این‌جا به روشنی می‌توان ائتلاف منفی دو نیروی اصلی صحنه‌ی درگیری‌های را دید. زیرا آن‌ها در سرکوب جنبش نوپای مردم کشور هم‌نظر هستند. تمامیت‌خواهان از اهرم "مبارزه ضدآمریکایی" برای سرکوب استفاده می‌کنند و آمریکا و نوکران‌اش نیز روی انفعال مردم و باز شدن راه حضور بلامنازع‌شان در آینده ایران حساب باز می‌کنند.

پس هدف اصلی از اعلام وضعیت فوق‌العاده، حاکم کردن شرایط جنگی بر کشور، تشویق آمریکا برای عملی کردن نقشه‌های خود و خفه کردن هر نوع حرکت مردمی است. سرکوب جنبش مردمی در سال‌های گذشته، یکی از الویت‌های دستگاه ولایت بوده است. و انتقاد اصلی‌شان به اصلاح‌طلبان این بوده است که آن‌ها عمق و دامنه‌ی جنبش براندازی توده‌ای را درک نکرده و به ستون پنجم دشمن تبدیل شده‌اند. بنابراین اولین و مقدم‌ترین هدف ایجاد شرایط جنگی بر کشور، در هم شکستن جوانه‌های حرکت‌های مردمی است. حرکت‌های که چه توسط کارگران در کارخانه‌ها انجام می‌گیرد؛ چه توسط معلمان در این‌جا و آن‌جا خود را نشان می‌دهد؛ چه بیان فریاد جنبش دانشجویی است؛ چه به صورت اعتراضات جنبش جوانان جلوه می‌کند؛ چه در هیئت مقاومت زنان کشور، در برابر تبعیضات اسلامی و آپارتاید جنسی خود را نشان می‌دهد و چه بصورت اعتراضات خلق‌های تحت ستم بروز می‌کند.

اما برای این‌که تیغ سرکوب جنبش مردمی هر چه برنده‌تر عمل کند، باید به نقش اصلاح‌طلبان که مانع ایجاد قدرت یک‌پارچه سرکوب می‌شوند، پایان داد. از این روست که محدود کردن نقش اصلاح‌طلبان و نهادهای "قانونی" که در آن سنگر گرفته‌اند، نیز یکی از دیگر اهداف اعلام وضعیت فوق‌العاده است. و این توجه اصلاح‌طلبان را نیز به طور جدی به خود مشغول کرده است. و مدام از این زاویه به طرح وضعیت فوق‌العاده حمله می‌کنند. تمامیت‌خواهان در این راستا قصد دارند تا آن‌جا که ممکن است، در جریان برپایی وضعیت فوق‌العاده، اصلاح‌طلبان سازش‌کار را با خود هم‌سو کرده و برخی از طرح‌های‌شان را به دست آن‌ها پیش ببرند و هم‌زمان کار اصلاح‌طلبان موی دماغ و یا رادیکال را با آمریکایی دانستن‌شان نیز یک‌سره کنند. درست در چنین شرایطی است که می‌توان با اهرم مبارزه با فساد، سناریوهایی هم‌چون دادگاه شهرام جزایری را به شکلی مؤثر برای سرکوب مخالفین درونی به کار گرفت. بی‌جهت نیست که خامنه‌ای در سخنان‌اش در مراسم عیدغدیرخم در مشهد، مبارزه با مفاسد اقتصادی را یکی از الویت‌های کاری رژیم اعلام کرد که پایه‌پای "مبارزه با آمریکا" باید عملی شود.

برای این‌که در هم شکستن مقاومت اصلاح‌طلبان به آسانی صورت گیرد و هم‌چنین سرکوب جنبش مردمی بازتاب گسترده‌ای نیابد، لازم است که مطبوعات زبان در کام کشند و خط‌قرمزهای نهادهای نظامی و امنیتی را به دقت رعایت کنند تا متهم به ستون پنجم دشمن و کارشکنی در مبارزه‌ی به اصطلاح ملی علیه آمریکا نشوند. از این رو بستن دهان مطبوعات و دیگر رسانه‌ها و به سکوت واداشتن نویسندگان و هنرمندان از دیگر هدف‌های طرح اعلام وضعیت فوق‌العاده است. تمامیت‌خواهان نیک می‌دانند که علی‌رغم تمامی اقدامات سرکوب‌گرانه‌شان علیه مطبوعات در سال‌های اخیر، هنوز نتوانسته‌اند سکوت گورستانی مورد نظر را بر کشور حاکم کنند. و حال فرصت بدست آمده‌ی کنونی می‌تواند در صورت موفقیت به این آرزوی‌شان جامه واقعیت بپوشاند.

اما در کنار این هدف‌های سیاسی و فرهنگی، هدف‌های اقتصادی را نیز باید به حساب آورد. از زمانی که با بالا رفتن قیمت نفت، چندین میلیارد دلار مازاد ارزی بوجود آمد، تمامیت‌خواهان مدام برای بلعیدن این مازاد ارزی دندان تیز کرده‌اند. آن‌ها هم‌چنین از تلاش‌های اصلاح‌طلبان برای کنترل و یا تحقیق و تفحص منابع اقتصادی تمامیت‌خواهان به شدت ناراضی هستند. از این زاویه است که قصد دارند با اتکا به شرایط فوق‌العاده، بودجه کشور را کنار گذاشته و اقتصاد جنگی را حاکم سازند. زیرا می‌دانند کنترل بر چنین اقتصادی دیگر امکان‌پذیر نخواهد بود.

اما درست در شرایطی که یکی از اهداف اعلام وضعیت فوق‌العاده محدود کردن نقش اصلاح‌طلبان است و درست در شرایطی که اصلاح‌طلبان مدام تمامیت‌خواهان را به بهانه دادن به آمریکا برای دخالت در امور داخلی ایران متهم می‌کنند و نسبت به ابعاد این خطر آگاهند و هشدار می‌دهند، اما حاضر نیستند هیچ گام عملی برای مقابله با این وضعیت به شدت خطرناک بردارند. اقدامات آن‌ها از حد نق‌زدن‌های بی‌خاصیت فراتر نمی‌رود. در حالی می‌توانند از بسیاری از اهرم‌های قانونی‌هاش استفاده کرده و مانع اقدامات جنگ‌افروزان‌ی تمامیت‌خواهان شوند. آن‌ها حتی در این شرایط نمی‌خواهند دست به

اقداماتی بزنند که جنبش مردمی وارد صحنه شود. زیرا هم چون گذشته نشان داده‌اند که از جنبش مردمی بیش از تیغ عریان دستگاه ولایت هراسانند.

وقتی به هدف‌هایی که تمامیت‌خواهان برای اعلام وضعیت فوق‌العاده در پیش گرفته‌اند نظری می‌افکنیم، به خوبی در می‌یابیم که عدم مقاومت در مقابل این اقدام، ضربه‌ای اساسی به جنبش آزادی‌خواهانه، عدالت‌جویانه و استقلال‌طلبانه‌ی مردم ایران وارد خواهد آورد. اگر تمامیت‌خواهان در هدف‌های خود موفق گردند، جنبش مردمی برای یک دور دیگر مجبور به عقب‌نشینی شده و امکانات تاکنونی خود را از دست خواهد داد. از این‌روست که باید مقاومت گسترده‌ای را در برابر اقدامات دستگاه ولایت و طرح‌های کودتایی‌شان سازمان داد. این اقدامات باید دو بازو داشته باشد. بازوی اول- باید با اتکاء به تمامی امکانات بین‌المللی، تلاش‌های جنگ‌طلبانه سران آمریکا را افشاء و خنثی کرد و با کمک گرفتن از افکار عمومی و نیروهای صلح‌دوست و آزادی‌خواه جهان مانع تشدید شرایط کنونی که عملاً به نفع تمامیت‌خواهان رژیم اسلامی است، گردید و آمریکا را مجبور به تجدیدنظر در سیاست‌های سلطه‌جویانه‌اش در ایران کرد. روشن است که در این میان خنثی کردن نقش نیروهایی که قصد دارند با کمک آمریکا از این نمد برای خود کلاهی بدوزند، نیز وظیفه‌ای است که نباید فراموش شود. و بازوی دوم- بسیج توده‌ای هر چه گسترده‌تر چه در ایران و چه در خارج علیه اقدامات جنگ‌افروزانه تمامیت‌خواهان دستگاه ولایت است. در این رابطه سازمان‌دهی گسترده‌ی هم‌کاری‌های و هم‌آهنگی دموکراتیک برای افشای هدف‌های جنگ‌طلبان رژیم، برای بسیج گسترده توده‌های مردم و دفاع از خواست‌های‌شان و برای سازماندهی نافرمانی مدنی و یک مقاومت فراگیر در مقابل دشمنان داخلی و خارجی جنبش مردم ایران یک ضرورت اساسی است. و درست در چنین شرایطی سازماندهی گسترده نافرمانی مدنی برای درهم شکستن اقدامات سرکوب‌گرانه تمامیت‌خواهان، می‌تواند ماشین جنگی‌اش را در شرایط دشواری قرار دهد. نافرمانی مدنی مردم که می‌تواند از اقدامات کوچک و جزیی تا اقدامات گسترده توده‌ای را شامل شود، قادر خواهد بود تمامی برنامه‌ریزی‌های جنگ‌افروزان رژیم را در هم بشکند و هم‌زمان صدای مستقل مردم را به گوش جهانیان برساند. زیرا با بلند شدن صدای مستقل و حرکت‌های مستقل مردمی، این امکان از جنگ‌طلبان آمریکایی و هم‌راشان‌شان نیز گرفته خواهد شد تا خود را به جای صدای حق‌طلبانه‌ی مردم جا بزنند و اقدامات سلطه‌جویانه‌شان را توجیه کنند و به نیابت از مردم برای‌شان حکومت تعیین کنند و برای آینده‌شان تصمیم بگیرند. بدون سازماندهی یک مقاومت گسترده، تمامیت‌خواهان و مؤتلفین جنگ‌طلب آمریکایی و نوکران‌شان، شرایط سرکوب جنبش مردمی را بیش از پیش فراهم آورده و به مرحله‌ی عمل در خواهند آورد. ۱۴ اسفند ۸۰